

وجود و حیات انسان پرداخته‌اند. سعدی، حافظ، مولانا، سهروردی و... در حقیقت فیلسوفان بزرگی هم بودند و ما باید به آنها افتخار کنیم. هنوز هم خاطرات نیم قرن پیش را به یاد دارد. شاگردانش از تفنگ شکاری و جیب آقامعلم که مقابل مدرسه پارک بود، خاطرات زیادی دارند. بعد از «همه راه و رسم زندگی و راه عزتمندی در گلستان سعدی است. او در یک سال این کتاب ارزشمند را نوشت. آن سال‌ها خانواده‌ها با وجود اینکه سواد نداشتند



اما گلستان سعدی را حفظ بودند. چند قرن قبل از اینکه اروپا در زمینه علوم انسانی درهای جدید دانش را باز کند، ما فیلسوف بزرگی مانند سهروردی داشتیم. من با همین سبک و سیاق به بچه‌ها درس می‌دادم. از گلستان سعدی و چهارمقاله نظامی عروضی به دانش آموزان املا می‌گفتم. موضوع انشا هم از باب‌های مختلف گلستان انتخاب می‌کردم و از بچه‌ها می‌خواستم آنها را به فارسی امروزی برگردانند. به این ترتیب هم با لغات جدید آشنا می‌شدند و هم نویسندگی را یاد می‌گرفتند. برای درس اجتماعی هم از آنجایی که نقشه همه کشورها را در ذهن داشتم، ماجرای پادشاهان سلسله‌های مختلف را با نقاشی روی تخته می‌کشیدم

و اینکه از کجا کشورگشایی را آغاز کردند به بچه‌ها یاد می‌دادم. این نقشه‌ها برای همه جذاب بود به طوری که آیت‌الله کمره‌ای که بعد از من در کلاس تدریس می‌کرد، می‌گفت دلم نمی‌آید نقشه‌های زیبایی که روی تخته می‌کشید را پاک کنم و درس خودم را بدهم. با همین روش‌ها بود که بچه‌ها درس اجتماعی و تاریخ را خیلی خوب یاد می‌گرفتند. رنگ آخر نوشته‌های خودام‌ا در ذهن شاگردان صدای آرام و مهربان معلمی که از بوستان و گلستان می‌گفت، نجوا می‌کند. آنها زندگی را پشت این نیمکت‌های کلاس یاد گرفتند. کلاس‌هایی که حتی اگر تخته سیاه در آن نباشد و گچ‌هایشان را یاد برده باشد.

همکارانم که متأسفانه تعداد زیادی از آنها فوت کرده‌اند اینجا آمده‌ام. «این دبیر فیزیک موفقیت دانش‌آموزانش می‌گوید: «وقتی سر کلاس درس می‌رفتم، تصور می‌کردم همه دانش‌آموزان بچه‌های من هستند. دانش‌آموزان دهه ۴۰ و ۵۰ سه دسته بودند. گروهی بازاری بودند و بعد از پایان تحصیلات به بازار می‌رفتند و برخی می‌خواستند دیپلم بگیرند اما برخی از دانش‌آموزان با قدرت درس می‌خواندند و امروز در مدارج بالایی علمی قرار دارند و



من به همه آنها افتخار می‌کنم. همیشه می‌گفتم باید عاشق فیزیک باشید تا آن را یاد بگیرید. برخی می‌پرسیدند فیزیک به چه درد ما می‌خورد. می‌گفتم در خانه هر چیزی را که به فیزیک ارتباط دارد، قطع یا خاموش کنید تا اثر آن را ببینید. بعد از دو روز دانش‌آموزان می‌گفتند بدون فیزیک زندگی مختل می‌شود.»

وقتی حافظ سعدی می‌شود شاگرد می‌شوند

دانش‌آموزان نسل قدیم دبیرستان فلسفی به نوبت ورودی هر سال از خاطرات‌شان می‌گویند و وقتی نام همکلاسی‌ها و معلم‌هایی که دیگر میان آنها نیستند گفته می‌شود، اشک از گوشه چشم‌شان جاری می‌شود. ناگهان همه به ورودی سالن چشم می‌دوزند. «مسعود شیرزاد» معلم ادبیات و املا و اجتماعی عصازان و به سختی از پله‌ها پایین می‌آید. همه با شوق زیاد او را تشویق می‌کنند. معلمی که در کلاس درس او حافظ و سعدی همکلاسی بچه‌ها می‌شدند. با دیدن دانش‌آموزانش اشک می‌ریزد و آنها را در آغوش می‌گیرد. در ۹۰ سالگی با حرارت از سعدی و گلستان و بوستان و دیوان حافظ می‌گوید. به اعتقاد او، اساتید بزرگ زبان فارسی ایران بزرگ‌ترین اجازه تدریس به من هستند و قبل از بسیاری فلاسفه اروپایی به طرح نگاه‌های مهم فلسفی خود نسبت به

معلم‌ها حرف می‌زنیم، انگار همه چیز دوباره مثل روز اول برای همه زنده می‌شود. همه به ۵۰ سال قبل برمی‌گردیم.»

ریه‌هایی پر از گچ

وقتی معلم وارد کلاس می‌شود یکسای بچه‌ها با صدای بلند می‌گویند: «برپا!» همه دانش‌آموزان موسپید کرده به احترام معلم فیزیک‌شان می‌ایستند و آقا معلم از آنها می‌خواهد بنشینند. خبری از تخته سیاه و گچ‌هایی که با هر بار کشیده شدن روی تخته گردشان وارد ریه‌اش می‌شد، نیست. همه چشم به دهان او دوخته‌اند تا باز هم از ترمودینامیک و کوانتوم بگویند. «پرویز محمدزاده»، دبیر فیزیک دبیرستان فلسفی که از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۸ در این مدرسه تدریس کرده است، چهره‌آشنای همه دانش‌آموزان است. با شوق زیاد به چهره دانش‌آموزانش نگاه می‌کند و سعی می‌کند تا خاطره‌ای از هر کدام‌شان به یاد بیاورد. در ۸۴ سالگی هنوز هم شوق آموختن دارد و می‌گوید اگر صد بار دیگر هم به دنیا بیایم، باز هم شغل معلمی را انتخاب می‌کنم: «سال ۱۳۴۵ با مدرک دیپلم در آموزش و پرورش فیروزکوه استخدام شدم. دوران خدمت سربازی در سپاه دانش بودم و در روستای صلح دارکلا در بخش پندپی مازندران خدمت کردم. من اولین معلم این روستا بودم و طی چند سالی که آنجا تدریس می‌کردم با کمک اهالی خیابان روستا را سنگفرش کردیم و حمام و مدرسه ساختم. همان سال در دانشگاه تهران قبول شدم و در محضر اساتید بزرگ فیزیک و علوم پایه همچون پروفیسور حسینی، دکتر شیانی و دکتر کمال‌الدین جناب تحصیل کردم و آموختم. افتخار می‌کنم که شاگرد اساتید بزرگی بودم. بعد از فوق لیسانس برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری به فرانسه رفتم و بعد از ۶ سال فارغ‌التحصیل شدم. وزارت علوم فرانسه پیشنهاد داد همان جا بمانم و تدریس کنم اما قبول نکردم و گفتم من ایرانی هستم و باید به کشورم خدمت کنم. بعد از بازگشت در دبیرستان‌های مختلف و دانشگاه تربیت معلم تدریس می‌کردم. ۱۸ سال در دبیرستان فلسفی به دانش‌آموزان فیزیک تدریس می‌کردم تا اینکه سال ۷۲ بازنشسته شدم. اما دوباره مشغول کار شدم اما سال ۸۴ به دلیل اینکه بخش زیادی از حفره‌های ریه‌ام از گچ شده بود، پزشکان اجازه تدریس به من ندادند و من ناچار تدریس را کنار گذاشتم. امروز هم به شوق دیدن دانش‌آموزانم

همه آمده بودند. از ورودی‌های سال ۱۳۴۴ تا ورودی‌های دهه ۵۰ و ۶۰ دیدن همکلاسی‌های قدیم آن هم بعد از سال‌ها و نشست و نشستن پای درس معلم‌هایی که درس زندگی به آنها می‌آموختند شوق عجیبی را در وجودشان شعله‌ور کرده بود



روایتی از دیدار شاگردان و معلمان دبیرستان فلسفی تهران بعد از نیم قرن

دیگته از چهار مقاله بود وانشاء از گلستان...

حیاطی که نیم قرن پیش با صدای زنگ‌دار چکش بر صفحه‌ای فلزی، مملو از خنده و نشاط دویدن‌های نوجوانان شرو شور می‌شد، این بار شاهد قدم‌های آرام و محتاط همان نوجوان‌ها در قامت مردانی است که امروز با موهایی سپید اما دل‌هایی جوان تراز همیشه، به یاد و یادمان همان دوران برگشته و دور هم جمع شده‌اند. دبیرستان فلسفی در روز معلم میزبان نسلی بود که خاطرات نیمکت‌های چوبی، تخته‌های گچی و صدای گرم معلم را هنوز از یاد نبرده‌اند. آمده بودند تا نه تنها دیداری تازه کنند، بلکه چراغ یاد معلمانی را روشن نگه دارند که به آنها آموختند چگونه چراغی در دل شب باشند.

با ورود هر معلم که برخی با عصا و به سختی راه می‌رفتند، همه ناخودآگاه می‌ایستادند. نه از سر عادت، که از روی احترام. احترام به معلمانی که روزی با نگاهی مهربان و گاهی پانگاهی سختگیر، آینده‌شان را ساختند. با گفتن نام هر معلم، دستی به سینه می‌بردند و یادآوری هر خاطره، لیخندی گوشه لب‌شان می‌نشست؛ لیخندی از جنس گذشته، از جنس روزهای پرشور نوجوانی... سالن مدرسه که نیم قرن پیش محل مطالعه و شنیدن خطابه آیت‌الله فلسفی بود از صدای خنده، بوی گچ و گرمای خاطره‌هایی که انگار هرگز کشته نمی‌شدند پر شده بود.

حیاطی که نیم قرن پیش با صدای زنگ‌دار چکش بر صفحه‌ای فلزی، مملو از خنده و نشاط دویدن‌های نوجوانان شرو شور می‌شد، این بار شاهد قدم‌های آرام و محتاط همان نوجوان‌ها در قامت مردانی است که امروز با موهایی سپید اما دل‌هایی جوان تراز همیشه، به یاد و یادمان همان دوران برگشته و دور هم جمع شده‌اند. دبیرستان فلسفی در روز معلم میزبان نسلی بود که خاطرات نیمکت‌های چوبی، تخته‌های گچی و صدای گرم معلم را هنوز از یاد نبرده‌اند. آمده بودند تا نه تنها دیداری تازه کنند، بلکه چراغ یاد معلمانی را روشن نگه دارند که به آنها آموختند چگونه چراغی در دل شب باشند.

حیاطی که نیم قرن پیش با صدای زنگ‌دار چکش بر صفحه‌ای فلزی، مملو از خنده و نشاط دویدن‌های نوجوانان شرو شور می‌شد، این بار شاهد قدم‌های آرام و محتاط همان نوجوان‌ها در قامت مردانی است که امروز با موهایی سپید اما دل‌هایی جوان تراز همیشه، به یاد و یادمان همان دوران برگشته و دور هم جمع شده‌اند. دبیرستان فلسفی در روز معلم میزبان نسلی بود که خاطرات نیمکت‌های چوبی، تخته‌های گچی و صدای گرم معلم را هنوز از یاد نبرده‌اند. آمده بودند تا نه تنها دیداری تازه کنند، بلکه چراغ یاد معلمانی را روشن نگه دارند که به آنها آموختند چگونه چراغی در دل شب باشند.

گزارش

یوسف حیدری

دبیر سرویس گزارش

بازار خاطرات و شیطنت‌های نوجوانی هم داغ بود و هر کدام به نوبت میکروفن در دست می‌گرفتند و از خاطرات آن روزها و رفتار و حرف‌های معلم‌هایی که چراغ راه زندگی‌شان شده بود، می‌گفتند. «علی عقیلی»، دانش‌آموز دهه ۵۰ دبیرستان فلسفی که به همراه تعدادی از همکلاسی‌های قدیم بسیاری از دانش‌آموزان دهه ۵۰، ۴۰ و ۶۰ مدرسه را گرد هم جمع کرده است، پرشورتر از بقیه دانش‌آموزان موسپید کرده از آنها می‌خواهد که بایستند و از خاطرات آن سال‌ها با بگویند. او با اشاره به تاریخچه

همه آمده بودند. از ورودی‌های سال ۱۳۴۴ تا ورودی‌های دهه ۵۰ و ۶۰ دیدن همکلاسی‌های قدیم آن هم بعد از سال‌ها و نشست و نشستن پای درس معلم‌هایی که درس زندگی به آنها می‌آموختند، شوق عجیبی را در وجودشان شعله‌ور کرده بود. برخی با ویلچر و عصازان و برخی با عقب انداختن پرواز به خارج از کشور، خودشان را در روز معلم به ساختمان مدرسه‌ای رساندند که چند سال از بهترین دوران زندگی‌شان پشت نیمکت‌های چوبی آن سپری شده بود.

لیخندهایی از جنس خاطره

نماینده بویراحمد در مجلس:

حسابرسی سیستمی، گامی برای هدایت سرمایه‌ها به سمت تولید است

عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی با تأکید بر نقش حسابرسی هوشمند مالیاتی در تحقق شعار سال، گفت: حرکت به سمت مالیات‌ستانی عادلانه و دقیق، باعث افزایش انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش تولید خواهد شد. محمد بهرامی‌سیف‌آبادی، نماینده بویراحمد و دنا در مجلس شورای اسلامی با اشاره به تأثیر اجرای نظام مالیات‌ستانی هوشمند بر اقتصاد کشور، گفت: یکی از مهمترین ثمرات مالیات‌ستانی سیستمی، کاهش خطای انسانی و حذف سلیقه گرابی در تعیین میزان مالیات است که همین امر می‌تواند اعتماد فعالان اقتصادی، به‌ویژه تولیدکنندگان را به نظام مالیاتی کشور افزایش دهد.

وی ادامه داد: در گذشته، به‌دلیل نبود سیستم‌های دقیق و شفاف در حسابرسی مالیاتی، بسیاری از تولیدکنندگان دلسرد می‌شدند، چون احساس می‌کردند مالیات‌هایی که از آنها گرفته می‌شود، ناعادلانه و خارج از واقعیت‌های اقتصادی کسب‌وکارشان است. اما اکنون که فرآیند مالیات‌ستانی به شکل هوشمند در حال اجراست و بر پایه داده‌های واقعی است، زمینه برای اجرای عدالت مالیاتی فراهم شده است.

عضو کمیسیون انرژی مجلس تأکید کرد: در هر حوزه‌ای اگر به سمت استانداردسازی، شفافیت و منطق اقتصادی حرکت کنیم، نتایج مثبت آن در کوتاه‌مدت و بلندمدت مشهود خواهد بود.

مالیات‌ستانی هوشمند هم از این قاعده مستثنی نیست. هرچقدر قوانین و مقررات به‌صورت علمی، دقیق و مبتنی بر داده طراحی و اجرا شوند، تأثیرات مثبت آن در

هدایت سرمایه‌ها به حوزه تولید بیشتر خواهد شد.

بهرامی‌سیف‌آبادی افزود: وقتی تولیدکننده‌ای ببیند که او به‌صورت شفاف و سیستمی مالیات واقعی خود را پرداخت می‌کند و در عین حال می‌بیند که فزاین مالیاتی و دانه‌درشت‌ها هم دیگر نمی‌توانند از زیر بار مالیات فرار کنند، حتماً انگیزه

جزئیات پرداختی‌های مالیات بر ارزش افزوده سال ۱۴۰۳:

پرداخت ۱۸۵ هزار میلیارد تومان برای توسعه کشور

اختصاص ۶۷ همت به حوزه سلامت و درمان

سازمان امور مالیاتی کشور، جزئیاتی از آمار اختصاص درآمدهای مالیات بر ارزش افزوده به حوزه‌های سلامت و رفاه مردم و توسعه و آبادانی شهرها و روستاهای کشور ارائه داد.

بر اساس جدیدترین گزارش سازمان امور مالیاتی کشور، در سال ۱۴۰۳، مجموع درآمدهای مالیاتی محقق‌شده از محل مالیات بر ارزش افزوده به بیش از ۶۹۰ هزار میلیارد تومان مشتمل بر بیش از ۴۲۸ هزار میلیارد تومان مالیات بر کالا و خدمات و حدود ۲۶۲ هزار میلیارد تومان عوارض رسید که نسبت به سال ۱۴۰۲، رشد ۴۳ درصدی را نشان می‌دهد. در سال ۱۴۰۳ از محل مالیات بر ارزش افزوده در مجموع بیش از شش هزار میلیارد تومان در قالب سهم ۲۷ صدم درصد ترویج و توسعه ورزش‌های همگانی و ساماندهی امور جوانان به حساب وزارتخانه‌های ورزش و جوانان و آموزش و پرورش اختصاص یافته که بیانگر رشد قابل ملاحظه ۷۴ درصدی نسبت به دوره مشابه در سال ۱۴۰۲ است.

سازمان امور مالیاتی کشور، جزئیاتی از آمار اختصاص درآمدهای مالیات بر ارزش افزوده به حوزه‌های سلامت و رفاه مردم و توسعه و آبادانی شهرها و روستاهای کشور ارائه داد. بر اساس جدیدترین گزارش سازمان امور مالیاتی کشور، در سال ۱۴۰۳، مجموع درآمدهای مالیاتی محقق‌شده از محل مالیات بر ارزش افزوده به بیش از ۶۹۰ هزار میلیارد تومان مشتمل بر بیش از ۴۲۸ هزار میلیارد تومان مالیات بر کالا و خدمات و حدود ۲۶۲ هزار میلیارد تومان عوارض رسید که نسبت به سال ۱۴۰۲، رشد ۴۳ درصدی را نشان می‌دهد. در سال ۱۴۰۳ از محل مالیات بر ارزش افزوده در مجموع بیش از شش هزار میلیارد تومان در قالب سهم ۲۷ صدم درصد ترویج و توسعه ورزش‌های همگانی و ساماندهی امور جوانان به حساب وزارتخانه‌های ورزش و جوانان و آموزش و پرورش اختصاص یافته که بیانگر رشد قابل ملاحظه ۷۴ درصدی نسبت به دوره مشابه در سال ۱۴۰۲ است.

بر اساس آخرین آمار و اطلاعات سازمان امور مالیاتی کشور، در سال ۱۴۰۳

جدول مقایسه وضعیت وصول و واریز مالیات و عوارض ارزش افزوده در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۲ در یک نگاه			
عوارض واریزی به حساب شهرداری‌ها، فرمانداری‌ها و ادارات کل امور عشایر (ارقام به میلیارد تومان)			
شرح	جمع عوارض واریزی در سال ۱۴۰۳	جمع عوارض واریزی در سال ۱۴۰۲	درصد رشد
شهرداری‌ها	۱۴۶٫۹۵۸	۹۹٫۸۵۶	۴۷٪
دهیاری‌ها	۳۳٫۱۸۵	۲۵٫۱۹۰	۳۲٪
فرمانداری‌ها	۲۸۳۳	۲۰٫۷۷	۳۶٪
امور عشایر	۱٫۸۸۰	۱٫۳۱۶	۴۳٪
جمع کل	۱۸۴٫۸۵۵	۱۲۸٫۴۳۹	۴۴٪

مالیات سلامت وصولی سهم وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (ارقام به میلیارد تومان)			
شرح	واریزی در سال ۱۴۰۳	واریزی در سال ۱۴۰۲	درصد رشد
وزارت بهداشت	۶۷٫۳	۴۴٫۴	۵۲٪

۰٫۲۷ درصد از عوارض ارزش افزوده سهم وزارتخانه‌های ورزش و جوانان و آموزش و پرورش (ارقام به میلیارد تومان)			
شرح	واریزی در سال ۱۴۰۳	واریزی در سال ۱۴۰۲	درصد رشد
وزارت بهداشت	۶٫۶	۳٫۸	۷۴٪